

قفسه کتاب

۲۳۸

| ضمیمه کتاب و ادبیات روزنامه جام جم | سه شنبه؛ ۲۸ آذر ۱۴۰۲

کدام نویسندگان در بخش مجازی سی و چهارمین نمایشگاه کتاب تهران پر فروش تر بودند؟

سبد خرید آقایان پر کتاب تر؛ سبد خرید بانوان به گزین تر

۴۰



خانه کتاب و ادبیات



۲۶۲ خاطره از ۱۴۰
هنرمند در کتاب
«تاپلاک ۱۴۰»

۸۱



تجربه
خسروانی
خسرو باباخانی

۶۱



اگر پدر یا برادر تان
این کتاب را
خواند؛ نگران
نباشید!

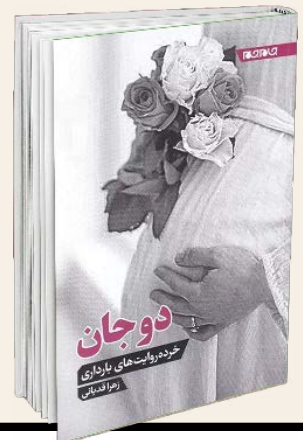
۲۱

قاعده مهم در میان کاروان زنان باردار

نکته مهم کتاب که بسیار بااهمیت است، کمک به قاعده «این همانی مفید» در میان کاروان زنان باردار است؛ مثلاً آنجا که در یکی از داستان‌ها، زن بارداری که بعد سال‌ها تحمل مشقات جسمی و روحی و با انواع و اقسام روش‌های درمان ناباروری، ناباورانه توانسته نوار باریک صورتی را روی بدنه سفت و بی‌روح بی‌بی‌چک ببیند، در مطب متخصص بی‌تعهد و تاجر مسلک زنان و زایمان، بازیچه قرار می‌گیرد و بدون ذره‌ای همدلی و درک شدن، به روند خشک و سخت درمان و تشخیص ارجاع می‌شود. این قسمت از ماجرای کتاب، معضلی است که زنان باردار بسیاری با آن مواجه هستند؛ خاکساری و اطاعت از ارباب ربات‌اخلاقی که لحظه‌ای آنان و مشکلات پیش و پشت سر آنها را نمی‌بیند و فقط سنگدلانه، بعد از دقایقی، مهر آبی‌رنگ نظام پزشکی را پای نسخه آنان می‌کوبد و با دست، آنان را به دنیایی خارج از مطب راهنمایی می‌کند که مثل دریایی پرموج قرار است آنان و جنین نحیف و هر لحظه در معرض سقط آنها را ببلعد.

زهرآق‌دانی در روایت هفتم در این باره چنین نوشته است: «در و دیوار مطب می‌گویند: اسم خانم دکتر آن قدر بزرگ هست که نیازی نیست دستی به سر و شکل مطب بزند. همین است که هست! دیوارها کدرو دلگیر است و ما با این حال روحی‌مان دلگیرتر می‌بینیمش... هنوز آمینوسنتز یکی تمام نشده، بتادین روی شکمش را پاک نکرده، لباس‌هایش را سر جاش برنگردانده، بعدی را صدامی‌زند که بیاید و روی تخت دراز بکشد...»

با در چند روایت کتاب، داستان زنانی است که آمار فراوانی‌شان در کشور مانند آمار بیکاری و اعتیاد فزاینده است. زنانی که به‌رغم اشتیاق فراوان و خواست بی‌حد و حصر خود و همسران‌شان باردار نمی‌شوند و به قول معروف، ایراد کار از آنهاست و این قسمت درام ماجراست که خانم قدیانی در همان روایت اول از این بزرگ‌ترین مشکل خانواده‌ها که منشأ بسیاری از مشکلات بفرنج جسمی و روحی در میان زنان شده، پرده برداشته است: «اتاق را جارو می‌کردم که زیرتخت چیزی پیدا کردم؛ یک ورقه چهارتا شده. بالایش نوشته بود خانواده من. خط مرتضی بود. یک پسر شش هفته ساله گوشه اتاق کشیده بود که سبب می‌خورد. یک دختر سه ساله هم نشسته بود وسط اتاق، دست می‌زد و با دهان باز من را نگاه می‌کرد... یک ربع سیر زار زدم. توی جلسه اول خواستگاری بهم گفته بود عاشق این است که چهارتا بچه داشته باشد؛ دوتای اول پسر و دوتای دوم دختر. طفلک الان به دوتا راضی شده اما ما توی داشتن یکی‌اش هم مانده‌ایم... از همان روز اول بچه می‌خواستیم. وقتی عروسی کردیم من ۲۸ سالم بود. اگر اتفاق می‌افتاد، تو سی سالگی یک بچه یک سال و یکی دوماهه داشتیم. این فکرها توی سرم می‌چرخید و هق هق می‌زدم...»



برای «دوجان» به قلم زهرا قدیانی که مخاطبانش رو به گسترش است

اگر پدر یا برادرتان این کتاب را خواند؛ نگران نباشید!



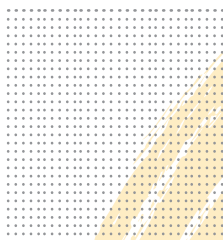
زینب گل محمدی

نویسنده

این دوران دست و پنجه نرم می‌کرده است. خوشحال بودم که بعد مدت‌ها کتابی دست گرفته‌ام که نویسنده‌اش بدون این‌که مرا بشناسد، برای من و برای وقتی که می‌توانستم با آن، بی‌خوابی شبانه از نک و ناله کودکانم را جبران کنم، ارزش قائل شده و به جای این‌که پشت میزکارش لم بدهد و با چند تلفن و پیام در فضای مجازی، سر و ته قضیه را هم آورد، برای مستندنگاری‌اش سنگ تمام گذاشته است. خودش در جای دیگر از مقدمه مفصلش چنین می‌گوید: «رسالت روایت، تصویرگری مستندات در قالب کلمه و ارائه شناخت است. شناختی بی‌واسطه، از طریق مشاهده و گوش دادن و مشارکت.»

از جذابیت و شیرینی سوژه‌های هر فصل کتاب که با عنوان روایت درج شده، بگذریم، فاکتور صراحت در بیان مسائل خصوصی زناشویی و لطافت در پرداخت به آن؛ بدون آن‌که کلمات و عبارات، مستهجن و سخیف به نظر آید، در جای جای کتاب خودنمایی می‌کند. با وجود آن‌که زهرا قدیانی در این کتاب در مورد بسیاری از مسائل زنانه، جریانات پیرامون زایمان‌های طبیعی، هورمون‌های دردسرساز سیکل‌های مختلف خانومانه و... سخن گفته است اما قلم نجیب و مأخوذ به حیای نویسنده طوری نیست که خواننده، به خصوص خواننده دهه‌های پنجاه و شصتی سنتی، مدام نگران باشند مبادا کتاب را پدر یا برادرش به دست گرفته و بخواند.

در پایان این گفتار، به عنوان کسی که سال‌ها از عمر و روزهای شبابش را در مرکز درمان ناباروری معروف تهران و کشور مشغول به کار و خدمت بوده، می‌گویم: این ۲۰ روایتی که زهرا قدیانی در «دوجان» نوشته است، تنها گوشه بسیار کوچک و مختصری از حوادث، مشکلات و سختی‌هایی است که صدها و هزاران زن نابارور، سخت‌بارور، زنانی با مشکل بارداری ناخواسته، اهداکنندگان تخمدان، رحم‌های اجاره‌ای و... با آن دست‌به‌گریباند. به همین جهت مصرانه و مشفقانه از خانم نویسنده می‌خواهم جلد و فصل‌های دوم، سوم، چهارم و... دوجان را برای مشتاقان قلم و سبک نوشتارش و نیز به احترام زنان رنج‌کشیده‌ای که به‌شدت نیاز به همدردی و مکتوب شدن دردهای‌شان دارند تا از این گذر، چسب زخمی بر جراحات روحی و جسمی‌شان بنشیند، بنگارد؛ باشد که در این وانفسای شعار مضحک و استحال‌ه شده «زن، زندگی، آزادی»، زنان رنج و دردکشیده جامعه ما بدانند در مسیر سخت پیش‌رو تنها نیستند و همه، از جمله نویسندگان و جماعت فرهنگی در کنار کادر بهداشت و درمان کشور به دنبال افزایش شأن و کرامت انسانی و حقوق انسانی - اسلامی آنها هستند. همچنین باید از انتشارات جام جم و آقای مهدی قرلی نیز که مقدمات انتشار این کتاب و البته چند کتاب و روایت خواندنی دیگر را مهیا کرده، تشکر کرد. امیدواریم که این روند، با قدرت در این انتشارات، ادامه پیدا کند.



از جذابیت

و شیرینی

سوژه‌های هر

فصل کتاب که

با عنوان روایت

درج شده،

بگذریم، فاکتور

صراحت در بیان

مسائل خصوصی

زناشویی و لطافت

در پرداخت به

آن؛ بدون آن‌که

کلمات و عبارات،

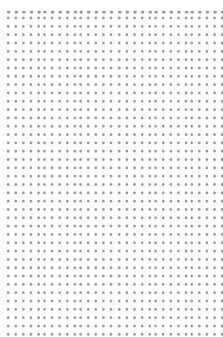
مستهجن و

سخیف به نظر

آید، در جای جای

کتاب خودنمایی

می‌کند

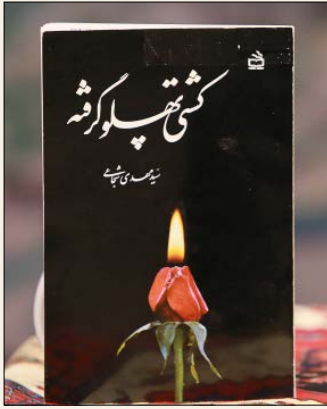


بی‌اغراق می‌گویم، خواندن «دوجان» جان تازه‌ای به وجودم تزریق کرد. بعد از مدت‌ها خانه‌نشینی و سروکله زدن با بچه‌ها و روزمرگی‌های شیرین و تلخ زندگی، کتاب دوجان آن قدر حس خوبی برایم به همراه داشت که نه فقط از خواندنش لذت بردم، بلکه بعد از پایان کتاب حس شادی و نشاط داشتم؛ شادان‌این‌که بعد مدت‌ها خواندن کتاب‌های با موضوع و نوشتار تقریباً مشابه و کسل‌کننده، سرانجام از داخل صف کتاب‌های قطور و نازک داخل کتابخانه گوشه پذیرایی، کتابی را یافتیم که حال دلم را خوب کرده بود؛ نه به این دلیل که نوشتار و نگارش فصل‌ها و سطورش فاخر و ناب باشد؛ که بود. نه به این دلیل که داستان‌هایش یکی از یکی جذاب‌تر باشد؛ که بود. نه به خاطر تنوع و تعدد فصل‌ها؛ که بود، همه این دلایل بود اما آنچه حس شادی و لذت را به من القا می‌کرد، این بود: من وقتم را برای خواندن کتابی صرف کرده بودم که نویسنده‌اش برای نوشتن آن زحمت زیادی کشیده است.

نه این‌که بگویم باقی نویسنده‌ها قلم جادویی دارند، روی کاغذ که می‌گذارند خودش رمان و داستان خلق می‌کند؛ نه، ولی خیلی از کتاب‌هایی که خوانده یا ناخوانده کنار گذاشته‌ام، بی‌تعارف این طور با من حرف می‌زدند که نویسنده‌شان زحمت زیادی برای تراشیدن کتاب و خوش شدن ذائقه خواننده نکشیده؛ ساعت‌ها و روزها نشسته و از انبار به هم ریخته و گرد و خاک گرفته تصورات و تخیلات ذهنی‌اش، سطوری استخراج کرده، در ویراست نهایی دستی به سر و صورت لغات، کلمات و جملات کشیده و در نهایت با طرح جلدگران قیمتی آن را روانه بازار کرده تا خوانندگان با تخفیف و بی‌تخفیف آن را بخرند و او دوباره پشت میز تحریر و لب تاپش بنشیند و به سوژه و چند و چون کتاب جدیدش فکر کند!

دوجان اما، این طور نبود. در فصل فصل کتاب، جای پای دهنده و پرانگیزه زهرا قدیانی ردانداخته و صدای هن و هن نفس‌هایش که حکایت از احوالات نیمه‌دوران بارداری دارد، خواننده را وادار به تحسین او می‌کند. خودش در مقدمه چنین می‌گوید: «من در دل ماجرا بودم. در حالی این دریای کرانه ناپدید را توصیف می‌کردم که خود در میان امواج، این سو و آن سو می‌شدم. در گروه‌های مجازی، بیمارستان‌ها، کلینیک‌ها، مطب‌ها، آزمایشگاه‌ها و مراکز سونوگرافی زنان باردار و داستان‌های‌شان را می‌یافتم. می‌دیدم‌شان، می‌خواندم‌شان و می‌شنیدم‌شان. با آنها می‌خندیدم، گریه می‌کردم، مضطرب می‌شدم و تسلا می‌یافتم.» من به عنوان خواننده‌ای که مدت‌ها بود تشنه کتابی وزین و جذاب و اصطلاحاً حال‌خوب‌کن بود، وقتی این قسمت از مقدمه کتاب را خواندم، با تمام وجود حس کردم نویسنده برای من خواننده‌ارزش و احترام زیادی قائل است، چون برای شیرین و اشباع کردن نیاز من به خواندن کتابی کامل، زحمت زیادی کشیده است در حالی که خودش باردار بوده و با مقتضیات خاص

رو ضه يك نفره



آمنه پازکی

داستان نویسن

طی مدت اخیر کتاب‌هایی با این رویکرد که از زبان معصومین (ع) ادبیات داستانی را پیش برده، منتشر شده است ولی کتاب «کشتی پهلو گرفته» در مقایسه با دیگر آثار مشابه و حتی آثار جدید، در این مسیر به خوبی پیش رفته است. من بعد از مطالعه همواره انتظار داشتم داستان از یک جایی ایراد پیدا کند اما نویسنده با نهایت ظرافت جلو رفته و تلاش کرده و سوسه‌های ذهن نویسنده را وارد کار نکند و کنترل شده بنویسد. مولف ماجرا را با مخاطب از زبان پیامبر (ص) پیش برده است و همین مخاطب قرار دادن باعث شده نویسنده نفسیانش را کنترل کند.

بی‌تابی حضرت زهرا (س) در نبود پیامبر (ص) صرفاً به دلیل فقدان پیامبر نبود بلکه دلایل مختلفی داشت. چرا که معصوم (ع) ما را توصیه می‌کند در غم‌ها و شادی‌ها افراط نکنیم. دلیل بی‌تابی‌های حضرت زهرا (س) در نبود پیامبر (ص) را باید برای مخاطب تشریح کنید. مخاطب ممکن است این اثر را در ایام فاطمیه بخواند و متاثر شود چون این کتاب یک روضه یک‌نفره است اما اگر دلایل تشریح نشود برای مخاطب جوان ما جای سؤال باقی می‌گذارد.

کار سیدمهدی شجاعی در آن برهه زمانی باعث شد او پایه‌گذار این نوع ادبی باشد؛ چون ما پیش از این در ادبیات مان چنین اثری نداشتیم. او به کسی مانند من جرات داستان‌نویسی درباره معصومین (ع) را داد.

مانمی توانیم مانند معصومین (ع) رفتار و فکر کنیم و این نوع نگارش ممکن است باعث بی‌ادبی و بی‌حرمتی به اهل بیت (ع) شود. ما می‌توانیم اهل بیت را در زندگی روزمره بیاوریم اما باید مراقب خطراتی باشیم که این نوع روایت دارد. ادبیات معصومین باید بشارت‌دهنده و اندازکننده باشد. اگر از این حد تعادل خارج شویم آسیب‌هایی رخ می‌دهد. مولفان باید از تاریخ و روایت معصومین بدانند تا دچار خطاهای تاریخی نشوند و از این طریق مخاطب را گمراه نکنند.

باید از کپی‌کاری و موازی‌کاری در ادبیات معصومین دوری کنیم و سراغ مفاهیم جدیدتری برویم. لازم نیست برای روایت زندگی اهل بیت (ع) از زبان آنها داستان بگوییم بلکه می‌توانیم از زوایای دید اطرافیان آنها داستان روایت کنیم. باید اهل بیت را وارد فضای امروز کنیم و ببینیم چگونه می‌توانند ما را از این منجلاب دور کنند. کتاب کشتی پهلو گرفته برای ادبیات روضه الگوی مناسبی است اما لازم است از این ادبیات عبور کنیم.

وقتی یک کتابخوان، شیفته بینوایان اترویکتور هوگو می‌شود؛

چند سطر کوتاه درباره شاهکاری بلند

سید علی اصغر عبداللہی

مرورنویس



«کتابی که خواننده در این لحظه زیر نظر خویش دارد، سرتاسرش، با همه کم و کاستی‌هایش، حرکتی است از بدی به سوی نیکی... از شب به سوی روز... از پوسیدگی به سوی زندگی... از دوزخ به سوی آسمان.../ بخشی از بینوایان»

چند کلمه‌ای که در ادامه می‌خوانید نه نقد کتاب است و نه تحلیل آن. تنها احساس مخاطبی است که ادبیات را با این کتاب شناخته است. نوشتن درباره کتاب‌ها و فیلم‌ها را به این امید شروع کردم که بتوانم روزی درباره بینوایان چیزی بنویسم.

اما حالا که این شاهکار را بعد از سه سال به پایان رساندم، تمام تجربیات و تمریناتم را برای نوشتن، از خاطر برده‌ام. با وجود این اما می‌نویسم؛ نه به این خاطر که بر مخاطبی که این کتاب را خوانده تأثیری بگذارم تا سمت خواندنش برود. حتی نمی‌خواهم برای خوانندگان این کتاب چیزی را یادآوری کنم. می‌نویسم تا شاید این چند کلمه، آبی بر آتش درونم باشد.

تاریخچه رمان را نمی‌دانم، اما انگار رمان به وجود آمد تا چنین شاهکاری خلق شود. با بینوایان هنر به رستگاری رسید. همه رمان‌های تاریخ را خوانده‌ام و تردیدی نیست که آن قدر عمر نخواهم کرد که همه آنها را بخوانم اما انگار سیراب شده‌ام. گویی به سرچشمه‌ای رسیده‌ام که شوق دریاها را از من گرفته است.

دیگر رمان را با بینوایان تفسیر می‌کنم. با بینوایان ژانرها برایم معنا می‌شود.

بعد از بینوایان، ژانر اجتماعی را با تکیه نانی می‌شناسم که بی‌نواپی گرسنه را زندانی محکوم به اعمال شاقه می‌کند و فقر را با کودکانی گرسنه می‌فهمم که در سرمای زمستان، در خرابه‌ها هم جایی برای خوابیدن ندارند.

با ژانر عاشقانه، دلدادگی را به یاد می‌آورم که دستش را سپر گلوله‌ها می‌کند تا خراشی بر صورت محبوب نیفتد. رمان‌های حماسی را با کوجه شانوری و سنگر خونینش، رندان بی‌باک و از خود گذشته‌اش به ذهن می‌سپارم و دلاوری را در دستان کوچک پسر بچه‌ای پابرنه می‌بینم که

برش

در تیررس دشمن، مرگ را به سخره می‌گیرد و همبازی آن می‌شود. و در چشمان منتظر یک مادر، ترازوی را معنا می‌کنم، آنگاه که آرزوی در آغوش کشیدن دخترش را به گور می‌برد. و شمع پدران‌ای را روشنی بخش و جودم می‌کنم که بی‌صدا آب می‌شود تا شمع‌دان‌های نقره در قلب انسان‌ها باقی بماند.

با بینوایان، شخصیت‌پردازی را نیز به خاطر می‌سپارم. با ژان والزان... مردی که از سیاهی زندان، به روشنایی آسمان می‌رسد و از پوسیدگی، زندگی را پیدا می‌کند. با میریل، پیرمرد مهربانی که در دو شمع‌دان نقره‌ای راه آسمانی شدن را نشان می‌دهد.

با ژاور، مردی که بین قانون زمینی و وجدانی آسمانی زمین‌گیر می‌شود... و جقدر افسوس می‌خورم! کاش از جامعه‌شناسی، سیاست، تاریخ و فلسفه چند کلمه‌ای می‌دانستم تا بینوایان را آن‌گونه که باید، بشناسم. کاش راه و رسم انسان شدن را یاد گرفته بودم تا در بینوایان آن را مرور می‌کردم. بعد از بینوایان، خواندن و نوشتن برایم سخت شده است. فهمیده‌ام کلمات وزنی دارند که درکشان برایم دشوار است.

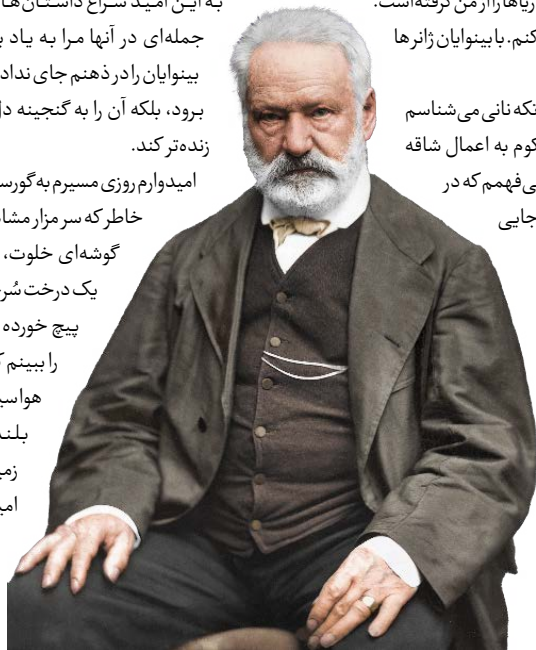
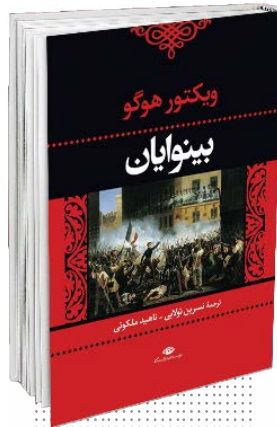
شاید رمان‌های زیادی بعد از بینوایان بخوانم اما گمان نمی‌کنم شعله‌ای را که این کتاب در وجودم روشن کرد، بار دیگر احساس کنم.

شاید به داستان‌هایی برسم که در پیرنگ، شخصیت‌پردازی، دیالوگ‌ها و تمام عناصر داستانی از بینوایان بالاتر باشند اما فکر نمی‌کنم دریای معانی بلندی را که با بینوایان قطره قطره در قلبم جاری گشت، جای دیگری پیدا کنم.

به این امید سراغ داستان‌های دیگر می‌روم که شاید جمله‌ای در آنها مرا به یاد بینوایان بیندازد. هرچند بینوایان را در ذهنم جای ندادم تا با گذشت ایام از خاطرم برود، بلکه آن را به گنجینه دل سپردم تا گذر ایام آن را زنده‌تر کند.

امیدوارم روزی مسیرم به گورستان پرلاشز نیفتد، نه به این خاطر که سر مزار مشاهیر آن بروم، بلکه شاید «در گوشه‌ای خلوت، پای یک دیوار کهنه، و زیر یک درخت سرخدار، که عشقه‌ها به تنه آن پیچ خورده و بالا رفته‌اند، سنگ قبری را ببینم که آب، آن را سبفام کرده و هوا سیاه‌رنگ. قبری که علف‌های بلند اطرافش را گرفته‌اند و زمینش نمناک است.»

امیدوارم کنار آن قبر بی‌نام، بنشینم و از خطوط بی‌نقش راه آسمانی زیستن را پیدا کنم...



روایت زندگی قدیمی ترین نقاره زن حرم مطهر رضوی

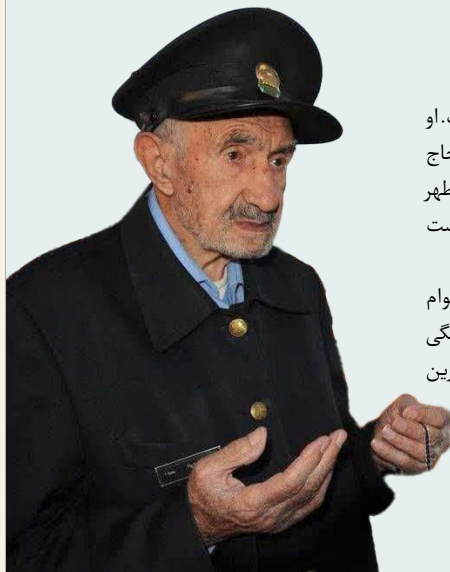
«گروگانکشتگی» و «گروگانگرفتگی» از دیگر آثار اوست. او به تازگی نگارش کتاب «نقاره چی» برگرفته از زندگی حاج احمد قوام شکوهی، قدیمی‌ترین نقاره زن حرم مطهر رضوی را به پایان رسانده که در انتشارات به نشر در دست چاپ قرار دارد.

او در خصوص نگارش اثر می‌گوید: حاج احمد قوام شکوهی، بهار ۱۳۰۵ در مشهد به دنیا آمد. از ۱۹ سالگی به خدمت در حرم مطهر رضوی پرداخت و پیرترین نقاره زن حرم امام رضا (ع) بود که بیشتر از ۷۰ سال بدون غیبت خود را به نقارخانه می‌رساند تا نوای رضا رضا را از آنجا در مشهد طنین‌انداز کند. او در ۲۳ آذر ۱۳۹۶ دار فانی را وداع گفت.

کتاب «نقاره چی» روایت زندگی حاج احمد قوام شکوهی، قدیمی‌ترین نقاره زن حرم مطهر رضوی در انتشارات به نشر منتشر می‌شود.

نوید ظریف‌کریمی، نویسنده اهل مشهد دانش‌آموخته مقطع ارشد ادبیات نمایشی است که در حوزه‌های متفاوت شعر، داستان‌نویسی، فیلم‌نامه‌نویسی و نمایشنامه‌نویسی توانسته آثاری ماندگار خلق کند که در جشنواره‌های متعدد، رتبه‌های برتر را کسب کرده است.

او در حوزه داستان‌نویسی نیز فعال است و کتاب «آژان برانزده» او توانسته سال ۱۳۹۶ در جشنواره ملی داستان رضوی برگزیده شود. کتاب «پرده دوم»، «سبزترین نذر»،



کدام نویسندگان در بخش مجازی سی و چهارمین نمایشگاه کتاب تهران پرفروش‌تر بودند؟!

سبد خرید آقایان پر کتاب‌تر؛ سبد خرید بانوان به‌گزینه‌تر

۱۰۰ عنوان کتاب پرفروش‌دار بخش مجازی نمایشگاه مجموعاً بیش از ۷۶ هزار نسخه فروش داشته‌است. ۲۸ درصد این عناوین را بیش از یک ناسر به بازار اندیشه ایران وارد کرده‌اند.

در میان این نویسندگان، آثار حجت الاسلام محسن عباسی ولدی ۸۸۱۱ نسخه به فروش رفته و او رکورددار پرمخاطب‌ترین پدیدآور است و پس از آن مهدی میرکیایی، علی صفائی حائری، مرتضی مطهری، سید علی خامنه‌ای، غلامرضا حیدری ابهری، کمر زوبرت، سید محمد حسین راجی، محمدرضا حدادپور جهرمی، مت هیگ، فتودور داستایفسکی، عبدا... جوادی املی، ناصر کشاورز، حسین فتاحی و مرگان شیخی در رده‌های بعدی قرار گرفته‌اند.

روایت تکنا در بخشی دیگر نشان می‌دهد گروه کودک و نوجوان با جذب ۳۹/۱۸ درصد مخاطب و فروش ۲۵۱ هزار و ۸۳۷ نسخه کتاب، پرمخاطب‌ترین گروه موضوعی در این نمایشگاه بوده است. ادبیات با ۵۰/۱۵ درصد و فروش ۲۱۲ هزار و ۲۵۹ نسخه کتاب، دین با ۵۷/۱۳ درصد و فروش ۱۸۵ هزار و ۸۴۵ نسخه کتاب و علوم اجتماعی با ۹۵/۱۲ درصد و فروش ۱۷۷ هزار و ۳۲۰ نسخه کتاب، رتبه‌های بعدی را به خود اختصاص داده‌است. چهار گروه پرمخاطب اول ۱/۵ درصد از ۱۳ گروه موضوعی بعدی بیشتر فروش داشته‌است.

سبد خرید آقایان پر کتاب‌تر؛ سبد خرید بانوان به‌گزینه‌تر

بر اساس آنچه در تکنا آمده، بانوان با حساسیت و دقت بیشتر و مردان تعداد بیشتری کتاب می‌خرند. طبق تحلیل‌های صورت گرفته از نمایشگاه مجازی چهارم، مردان با خرید ۸۶۹ هزار و ۸۶۷ نسخه کتاب در مقایسه با زنان با خرید ۴۹۹ هزار و ۸۵۷ نسخه کتاب، به طور متوسط ۵/۱ کتاب بیشتر خریدند.

در روایتی دیگر نیز تصویری از سن و سال خریداران ارائه شده که بر اساس آن ۹۲ درصد خرید کتاب‌ها از سوی جوانان و میانسالان انجام شده است. از این رو جوانان ۲۰ تا ۴۰ سال، حدود ۷۴ درصد و میانسالان ۴۱ تا ۶۰ سال، حدود ۱۸ درصد جمعیت خریداران را تشکیل دادند.

تعداد نسخه فروش رفته، پرمخاطب‌ترین اشخاص با نقش اصلی (مؤلف، شاعر، مترجم، بازنویس) در چهارمین نمایشگاه مجازی کتاب، اطلاعاتی درخصوص تعداد ناشران و کتابفروشی‌های حاضر در نمایشگاه و دلایل حضور کتابفروشی‌ها در این دوره از نمایشگاه، نقشه پراکندگی فروشندگان (ناشر و کتابفروشی) حاضر در نمایشگاه به تفکیک مرکز و سایر شهرهای استان، کتابفروشی‌های ممتاز، تعداد کتاب‌های فروخته شده در کتابفروشی‌ها، داده‌هایی از تمرکززدایی و تلاش برای حرکت به سمت عدالت اجتماعی و... برخی از عناوین داده‌های ارائه شده در اولین شماره تکناست که با ارائه تصاویر و نمودارهای مختلف همراه شده است.

مسیر تازه تحلیل‌ها با روایتی تصویری از صنعت نشر

پرمخاطب‌ترین کتاب، نویسنده و گروه موضوعی در نمایشگاه و اطلاعات خریداران نمایشگاه به تفکیک جنسیت، تنها چهار بخش از روایت تکنا در نخستین شماره از تصویر کتاب ایران است. در ادامه داده‌های تکنا در این بخش‌ها را می‌خوانیم.

به روایت تکنا، حجت الاسلام محسن عباسی ولدی پرمخاطب‌ترین نویسنده در بخش مجازی سی و چهارمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران بوده است. گروه موضوعی کودک و نوجوان نیز بیشترین مخاطب را به خود جذب کرده، همچنین داده‌های تکنا از این حکایت دارد که سبد خرید آقایان پر کتاب‌تر و سبد خرید بانوان به‌گزینه‌تر است.

داده‌کاو بخش مجازی نمایشگاه سی و چهارم، اطلاعات جالبی را در اختیار فعالان و علاقه‌مندان به اخبار صنعت نشر قرار داده است؛ اطلاعاتی که می‌تواند تحلیل‌ها را به مسیرهای تازه‌ای هدایت کند. بر اساس روایت تکنا کتاب‌های کتابخانه نیمه شب، مهارت‌های زندگی، ستاره‌ها چیدنی نیستند، خاتون و قوماندان، تکه‌هایی از یک کل منسجم، حکمت جاودانه، کهکشان نیستی، ترجمه الغارات، تسنیم؛ تفسیر قرآن کریم و حضرت حجت عجل از دیگر کتاب‌های پرمخاطب نمایشگاه مجازی چهارم بود.

«تکنا» یا همان تصویر کتاب ایران، نتیجه حاصل شده از داده‌کاو رفتار مشتریان سی و چهارمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در بخش مجازی است. این نتایج به اندازه برشی از جامعه می‌تواند بینش‌ها و بصیرت‌ها را نسبت به صنعت نشر ایران، افزایش دهد. مطالعه و فهم رفتار مخاطبان بخش مجازی سی و چهارمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران برای سیاست‌گذاران، فعالان صنعت نشر و مخاطبان امر مهمی به‌شمار می‌رود و قابلیت تصویربخشی به داده‌ها برای مخاطبان عمومی را به همراه دارد. تکنا روایتی از شکوه و پیشرفت این سال‌های صنعت نشر ایران است.

از چرایی اهمیت نمایشگاه کتاب تا درباره بسته‌های ارسالی

تکنا در نخستین شماره همراه پاسخ به این پرسش که چرا گزارش این رویداد با اهمیت است؟ در چهار فصل با عناوین داستانک نمایشگاه مجازی کتاب ۱۴۰۲، تحلیل رفتار کتاب‌دوستان، ناشران و کتابفروشی‌ها و درباره بسته‌های ارسالی تنظیم شده است.

مقایسه تعداد خریداران کتاب در نمایشگاه‌های مجازی، میزان فروش، مقایسه تعداد کتاب‌های فروش رفته در نمایشگاه‌های مجازی، مقایسه تعداد عناوین عرضه شده کتاب در نمایشگاه‌های مجازی، پیش‌بینی ارزش برآوردی چاپ رسمی کتاب در سال ۱۴۰۲، ارزش کل فروش مجازی و فیزیکی در سی و چهارمین نمایشگاه کتاب تهران، ارزش فروش بخش مجازی سی و چهارمین نمایشگاه کتاب تهران، متوسط ارزش خرید هر فرد در بخش مجازی، تعداد کتاب‌های عرضه شده در نمایشگاه توسط فروشندگان در هر بازه قیمتی، تعداد کتاب‌های خریداری شده در نمایشگاه توسط خریداران حقیقی در هر بازه قیمتی، نقشه پراکندگی استان محل سکونت خریداران کتاب در نمایشگاه مجازی، نمودار سنی خریداران نمایشگاه، داده‌های خریداران نمایشگاه مجازی از نظر جنسیت، دسته‌بندی محتوایی کتاب‌های فروش رفته، پرمخاطب‌ترین گروه‌های موضوعی نمایشگاه، بیشترین زیرموضوعات مورد علاقه مخاطبان، آمار کتاب‌های فروش رفته به تفکیک تألیف و ترجمه، پرفروش‌ترین عناوین در چهارمین نمایشگاه مجازی کتاب بر اساس

ویتترین پرفردارها

پرفروش‌ترین عناوین در چهارمین نمایشگاه مجازی کتاب بر اساس تعداد نسخه فروش رفته چه بوده است؟!

راهنما

● ناشران فروخته شده
● کل فروخته شده
● نسخه فروخته شده
● تعداد خریداران



رکورددار یک عنوان با چند ناشر!

شازده کوچولو با ۹۳ ناشر مختلف

با ۹۳ ناشر مختلف

۱۰۰ عنوان پرفروش‌دار از مجموعاً بیش از ۷۶ هزار نسخه فروش داشته‌اند.



رقابت ناشران برای عناوین پرمخاطب

۲۸٪ از ۱۰۰ عنوان پرفروش‌دار بیش از یک ناشر دارد!

۲۸٪ از ۱۰۰ عنوان پرفروش‌دار بیش از یک ناشر دارد!

۱۰۰ عنوان پرفروش‌دار از مجموعاً بیش از ۷۶ هزار نسخه فروش داشته‌اند.



۱۰۰ عنوان پرفروش‌دار مجموعاً بیش از ۷۶ هزار نسخه فروش داشته‌اند.

۱۰۰ عنوان پرفروش‌دار از مجموعاً بیش از ۷۶ هزار نسخه فروش داشته‌اند.

۱۰۰ عنوان پرفروش‌دار از مجموعاً بیش از ۷۶ هزار نسخه فروش داشته‌اند.

۱۰۰ عنوان پرفروش‌دار از مجموعاً بیش از ۷۶ هزار نسخه فروش داشته‌اند.



آقایان پر خرید تر؛ خانم‌های به‌گزین تر!

داده‌های خریداران نمایشگاه مجازی از نظر جنسیت به ما چه می‌گوید؟

ترکیب بندی جنسیتی خریداران

زنان، سخت‌پسند!

به نظر می‌رسد خانم‌ها برای خرید نیازمند اقناع بیشتری هستند.



۴۱%

۷۴,۳۱۵ کتاب دوست

۵۹%

۱۰۶,۰۱۳ کتاب دوست

مردان، کتاب‌آوران خانه!

به طور متوسط ۱/۵ کتاب بیشتر در سبد آقایان نسبت به خانم‌ها قرار داشت.



مردان به طور متوسط ۸,۲ کتاب خریداری کردند در حالی که زنان به طور متوسط ۶,۷ کتاب خریدند.

۳۶,۵%

۴۹۹,۸۵۷ نسخه

۶۳,۵%

۸۶۹,۸۶۷ نسخه

ترکیب بندی تعداد نسخه‌های خریداری شده

بستری برای یک ایران دوست‌دار کتاب!

تمامی استان‌ها، چه کم چه زیاد خواهان کتاب بودند...

استان‌های کتاب‌خواه!

از نظر سهم در تعداد خرید کتاب بیشترین تعداد کتاب خریداری شده به استان‌های تهران، قزوین، خراسان رضوی، اصفهان و گیلان تعلق دارد. این ۵ استان ۱۱ درصد از خرید کل کشور را به خود اختصاص داده‌اند.

استان‌های کتاب‌دوست!

از نظر سهم خرید کتاب نسبت به جمعیت استان‌های قم (۷/۸۱ درصد)، تهران (۷/۴۴ درصد)، سمنان (۷/۳۳ درصد)، یزد (۷/۲۸ درصد) و اصفهان (۷/۳۷ درصد) به ترتیب بیشترین سهم خرید کتاب نسبت به جمعیت استان خود را داشته‌اند.



نقشه پراکندگی استان محل سکونت خریداران کتاب در نمایشگاه مجازی

کتاب دوستی سن و سال نمی‌شناسد!

از کودک تا سالمند چه سهمی در خرید کتاب داشتند؟



به تفاوت یک قرن!

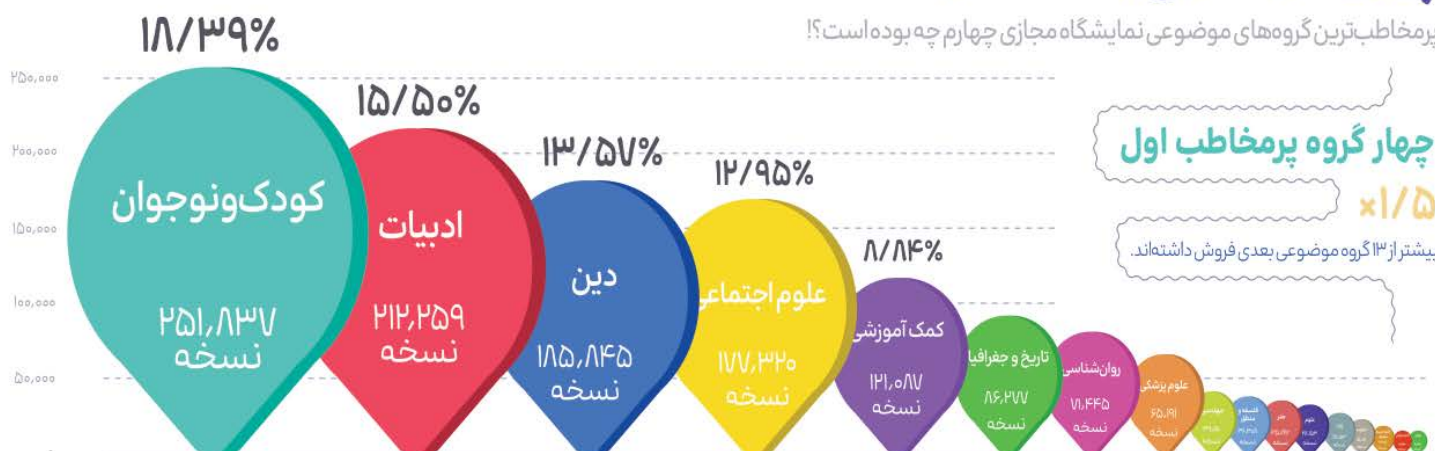
مسن‌ترین خریدار: ۹۴ سال! جوان‌ترین خریدار: زیر یک سال!

پدر و مادر خوش‌ذوق! از شجاری که خرید کتاب در سالنامه نمایشگاه تنها با یک کلیک امکان‌پذیر بود. مانی فرزندان خود، برایشان کتاب تهیه کرده‌اند.

۹۲٪ درصد از خرید کتاب‌ها توسط جوانان و میان‌سالان انجام شده است.

پیرو موضوع باشد کار ما...

پرمخاطب‌ترین گروه‌های موضوعی نمایشگاه مجازی چهارم چه بوده است؟



چهار گروه پرمخاطب اول

۱/۵×

بیشتر از ۱۳ گروه موضوعی بعدی فروش داشته‌اند.

کتاب دوست {تر} از همیشه!



مقایسه تعداد کتاب‌های فروش رفته در نمایشگاه‌های مجازی

* توجه! در این نمودار، محور عمودی از صفر شروع نشده است.

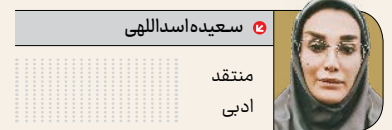
+۷

هر حساب کاربری (حقیقی و حقوقی) به طور متوسط بیش از هفت کتاب در بخش مجازی تهیه کرده است!



■ برای «درخت خون» به قلم مهدی جواهریان

باز هم ایده عشق و مرگ

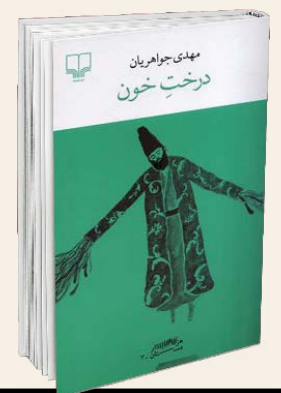


سعیده اسداللهی

منتقد
ادبی

از همان زمانی که اندیشیدن درباره زبان آغاز شد، فرضیه‌ای شکل گرفت که طبق آن می‌توان بین زبان‌ها، ورای تفاوت‌های آشکار، ساختار مشترکی یافت. پژوهش‌ها در زمینه این دستور زبان جهانی در طول ۲۰ قرن ادامه یافت و گاهی بسیار و گاهی کم و بیش موفقیت‌آمیز بود. رویکرد نظریه پردازان چنین است که دستور زبان تنها در صورتی می‌تواند به علم تبدیل شود که برای همه آدمیان، یک دستور زبان وجود داشته باشد. دکتر قدمعلی سرامی (مولاناپوه) در یکی از درس‌گفتارهای خود به تناقض درونی زبان اشاره دارد. ایشان بزرگ‌ترین ابزاری را که انسان برای بیان مافی‌الضمیر خود در اختیار دارد، زبان می‌داند حال آن که این ابزار تا حدی میان آدمیان ارتباط برقرار می‌کند و گاهی موجبات عدم تفاهم میان آنها را فراهم می‌آورد. در حقیقت زبان کارکردی متناقض دارد؛ از سویی ما را به هم پیوند می‌دهد و از سوی دیگر از هم می‌گسلد. مولانا نخستین اندیشمندی است که به روشنی بر این عیب زبان انگشت نهاده و بارها تفرقه‌انگیزی آن را خاطر نشان کرده است.

داستان بلند «درخت خون» به قلم مهدی جواهریان، روایت مرد نقاشی است پیریشان و سرگشته. هنر و هنرمندی که رو به زوال است و معترض به وضعیت و موقعیت خود. اعتراضی از جنس فهمیده نشدن از جنس پذیرفته نشدن. داستان بلند درخت خون در سه فصل از سه دوره با سه زاویه دید متفاوت روایت می‌شود. بخش نخست، با زاویه دید اول شخص، بخش دوم تشریح زندگی نقاش با زاویه دید سوم شخص محدود به ذهن راوی و بخش پایانی با زاویه دید دوم شخص روایت می‌شود و راوی مدام خود را مورد خطاب قرار می‌دهد. زبان کهن، نثر آهنگین و وجود آرایه‌های ادبی در این داستان بلند، مخاطب را به گونه‌ای مجذوب می‌کند که گاهی ممکن است فرصت کشف داستان از دست برود. ایده همان عشق است و مرگ. همان مفاهیم تکرار شونده که این بار در «درخت خون» با ظاهری کلاسیک پرداخت می‌شوند اما تفکری بدیع را نسبت به هنر و هنرمند در ذهن خواننده پرورش می‌دهند. بستر زمانی داستان دوران سلطنت ناصرالدین شاه قاجار است و در خلال داستان اصلی شرح زندگی مردم عادی، مسائل اجتماعی و سیاسی و مناسبات دربار گنجانده شده است. این داستان بلند توسط نشر چشمه به چاپ رسیده است.



روایت

گفت و گو

یادداشت

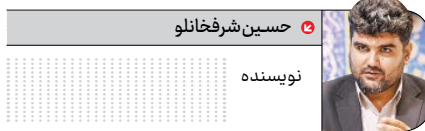
نقد

گزارش

۲۸ آذر ۱۴۰۲

روایت معرفی «ویولون زن روی پل» در بین زندانیان شهر

تجربه خسروانی خسرو باباخانی



حسین شرفخانلو

نویسنده

دو هفته پیش وقت در معیت حضرت والی جدید شهر و تنی چند از مسئولان شهرستان رفته بودیم بازدید زندان مرکزی شهر و از قضا هادی درستی، رئیس اداره کتابخانه‌های عمومی شهرستان هم با ما بود. همانجا ایده برگزاری جلسه معرفی کتاب در زندان برای زندانی‌ها به طور همزمان جرقه زد در ذهن هادی و من و بی‌آن‌که نور و کورسویی از جرقه تولید شده را نشان کسی ازکت و شلواریشان رسمی عصا قورت داده جمع همراه بدهیم، بازدید را برگزار کردیم و هرکس سر در گریبان خویش، برگشت سر کار خود و یکی دو روز بعدش که من و هادی هم را دیدیم، گشتیم بین کتاب‌های خوانده و نخونده مان تا گزینه مناسب پیدا کنیم برای زندان و جمع زندانیانی که در داخل برج و باروی زندان به آنها «مددجویان محترم» می‌گویند. خیلی طول نکشید که رسیدیم به «ویولون زن روی پل» و این کتاب از هر حیث مناسب محیط زندان بود. راوی کتاب، عمو خسرو که در خورجین سوابقش هر تر و خشکی را باهم داشت در ویولون زن روی پل که جام جم آن را در عهد مهدی قزلی چاپ کرده والان روی پله چاپ سی‌ام ایستاده از راه رفته‌ای به انتهای ظلمت سخن گفته و تجربه‌ای شخصی و زیسته از هرمان و نیستی را روایت کرده است.

حسن کتاب این است که اولاً راوی قلم قدرتمندی در روایت کردن و حافظه پرقوه‌ای در به یاد آوردن جزئیات اعتیاد ۳۰ ساله‌اش دارد و ثانیاً تا به همه تاریکی‌های حول و حوش اعتیاد را رفته و زیسته و برگشته و در کتابش از یک راه رفته حرف می‌زند و چون خودش و تجربه‌اش هر دو اصل جنسند، حرفش عین موشک نقطه‌زن درست به جایی که باید، می‌خورد.

قرار زندان رفتن مان چهارشنبه بود و از قضا آن روز همه آنها که جواز امضای ذیل اوراق شهرداری خوی را داشتند به جهت ماموریتی از پیش گفته نشده، از شهردار و باقی معاونان به غیر از من، عازم ارومیه بودند و نه می‌شد هماهنگی‌های حفاظتی ورود به زندان را به روزی دیگر موکول کرد و نه می‌شد تیلت و اینترنت برد داخل اندرگاه که حین جلسه، زیر اوراق و مکاتبات صادره و وارده به شهرداری را امضای الکترونیکی کرد و نه می‌شد جلسه را نرفت!

الغرض قراقرامان ساعت ۱۰ صبح بود و اداره غلغله بود و هی دم به دقیقه هادی و رئیس زندان و بقیه همراهان که هادی برای شان مجوز ورود به بند گرفته بود، زنگ می‌زدند و باران قشنگی هم می‌بارید و کار و امضا و خط و ربط را رها کردم و گازش را گرفتم تا زندان.

افسر نگهبان قبل «قفل دوم» به طرز تفتیش عقاید گونه‌ای پرسید: «اصلاً شما که به خاطر کتاب آمده‌ای زندان، شغل چیست؟» و سرسری گفتم «بهترین کاری که تاکنون داشته‌ام، کتاب خواندن بوده!» و بعدش تفتیش بدنی شدم که عاری از هرگونه تیزی، تلخکی، موبایل و ... بروم تو.

کتابخانه‌های عمومی خوی و زندان، یک کتابخانه مشترک دارند. داخل بند عمومی و جلسه با زندانیان خلاف سنگین بند ۲ در محوطه همان کتابخانه بود. شعبان خلیلی که



جلسه که تمام

شد، یکی‌شان

آمد و می‌گفت

فوق دیپلم

ادبیات است، با

کاغذکی در دست

که رویش اسم دو

کتاب را نوشته

بود و می‌خواست

سری بعد که

آمدیم برایش

بیاوریم



دیرسالی است رفیقیم و کارمند زندان است، قرآن حزین و قشنگی خواند از آیات سوره دهر و روحانی زندان که آخوند مسجد محل‌مان هم هست، آمد مرا معرفی کند، گفت که «همه‌تان لابد اسم یادگان شهید شرفخانلو را شنیده‌اید!» و مددجویان محترم اما اکثراً خمار جمع سر جنباننده که «آره» و شیخ ادامه داد «این حسین آن شهید شرفخانلوس» و مددجویان محترم که داشت کم‌کم چرت‌شان جر می‌خورد، از شوق دیدار آدمی به این مهمی! کف مرتبی زدند و به این سان، خفته‌ها هم بیدار شدند و تبر خلاص را وقتی خوردند که شیخ گفت «حاج حسین! که لابد او را در تلویزیون هم دیده‌اید، معاون شهردار خوی هم هست!» و کف دوم، مرتب‌تر و بلندتر و طولانی‌تر ختم شد!

ترمز تذکر رانمی‌زد، شیخ تا تشریح عنوان پایان نامه در دست دفاع هم جلوم می‌رفت لابد، رفتم پشت تریبون و اول کار، گفتم باین‌که این سومین بارست پایم به زندان باز شده، اما آرزو دارم دیدار بعدی ما بیرون از این برج و بارو باشد و به زودی زود. آرزویی که کف سوم را در پی داشت و جان‌ها را آماده شنیدن از تجربه عمو خسرو کرد. برای شان یکی دو صفحه از فصل اول کتاب را که نحوه و میزان و شدت آهنگ مصرف راوی را آن هم در ظهر روز ۱۸ ماه مبارک شرح می‌دهد، خواندم و ترجمه و توضیح پیوستش کردم و حالا چهار پنج نفر از آخر مجلسی‌ها که خمیازه یادشان رفته بود، دو زانو شدند از شگفتی میزان مصرف این آدم در یک وعده!

و شرح دادم که این آدم با این مشخصات و این شدت مصرف، یک روز برگشت و شمار اوقات اکثراً فراغت‌تان در زندان، کتاب را بخوانید بلکه تجربه خسروانی خسرو باباخانی را تکرار کنید. جلسه که تمام شد، یکی‌شان آمد و می‌گفت فوق دیپلم ادبیات است، با کاغذکی در دست که رویش اسم دو کتاب را نوشته بود و می‌خواست سری بعد که آمدیم برایش بیاوریم. یکی دیگرشان آمد برای باز کردن گرهی که در شهرداری منطقه یک ما دارد و آن دیگری به شکوه و گله که «تو با دادستان رفیقی، جای این ژانگولربازی‌ها بهش بگو یک ماه زودتر مرا خلاص کند!»

برگ کمپانی وسیله نقلیه سواری ام وی ام هاج بک تیپ
315H NEW سال ساخت ۱۳۹۶ به رنگ آبی متالیک
به شماره موتور MVM477FJAH060540 و شماره شاسی
NATFBAMD2H1049463 پلاک انتظامی
۷۷۷ ج ۲۸ ایران ۱۵ به نام آریتا آشیانی با کد ملی
۱۵۰۲۱۷۵۱۷ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

کارت خودرو کامیون اسکانیا مدل ۲۰۱۱ رنگ سفید
روغنی تیپ G380LA(4*2)HNA/3750mm
به شماره موتور DC1217L0266583350
به شماره شاسی VLUG4X20009156601
و شماره پلاک ع ۱۶ ع ۱۲۱۵ ایران ۷۸ به نام
علی نوروزی مفقود و فاقد اعتبار می‌باشد.

سند کمپانی و برگ سبز خودرو سواری پراید
صبا جی تی ایکس مدل ۱۳۸۲ به رنگ
یشمی متالیک شماره انتظامی ایران ۶۷-۸۴۳ ن ۹۱
شماره موتور 00549733 شماره شاسی
S1412282105792 به مالکیت مجید زارع
چاووشی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سند برگ سبز خودرو پیکان وانت رنگ سفید
مدل ۸۵ پلاک ۴۷۹ ب ۱۸ ایران ۴۶
شماره موتور 11485006006 شماره شاسی
14105001 به نام همت تجاری مفقود
گردیده و فاقد اعتبار است.

مناجات ما مناجات غافلین



ابراهیم کاظمی مقدم

پژوهشگر
طنز

مناجات الغافلین کتابی در قطع جیبی است؛ اما اشتباه نکنید؛ یک کتاب دعا نیست؛ یک کتاب جذاب و پر از کاریکاتور و متن های کوتاه است. مناجات الغافلین، اثر محمد مهدی رسولی، حاوی مناجات هایی از شخصیت های خیالی و غافل از حقیقت است که برای تقریب بیشتر به ذهن، تصویرشان نیز در کتاب نقش بسته است. مناجات هایی از جنس و زبان طنز که شما را به خنده ای عمیق دعوت می کند؛ خنده ای که پندی در پی دارد. پند هایی که باعث خواهند شد مجبور نشویم مثل تصویر روی جلد کتاب، کلاه های مان را اندکی بالاتر بگذاریم.

این کتاب سال ۹۸، توسط نشر صا به چاپ رسیده و کمتر از ۵۰ صفحه دارد. مقدمه مناجات الغافلین را سید مهدی شجاعی نوشته و تصویر سازی کتاب را نیز خود محمد مهدی رسولی انجام داده که باعث شده تصاویر کاملاً با متن کتاب متناسب باشند. وی پیش از این اثر، کتاب «آمین» را هم نوشته و صفحه آرایبی کرده بود. اما نوشتن مناجات نامه ای به زبان طنز برای اولین بار از وی به چاپ می رسد.

اگرچه بعد از مطالعه این کتاب مخاطب ممکن است به فکر فرو برود و با خود بگوید: شاید این مناجات ها همان دعا هایی است که من از خدا می خواهم. رسولی فقط آنها را اندکی اغراق آمیز و بانمک کرده تا نیش انتقاد با نوش طنز ممزوج شود. شاید اگر ملائک درگاه الهی هم به دعا های نگاه کنند که غافلانه چه چیزهای بی مقداری از او طلب می کنیم، به من بخندند. رسالت اصلی طنز هم همین است. طنز باید رذیله های اخلاقی را بگوید تا فضایل اخلاقی نمایان شوند.

محمد مهدی رسولی، در توضیح مناجات الغافلین می گوید: «اگر می خواهی با خدا صحبت کنی، این کتاب را بخوان! اگر می خواهی صادقانه، بی کلک و بی ریا با خدا صحبت کنی، این کتاب را بخوان! اگر می خواهی وقتی با خدا صحبت می کنی، خودخواه، متکبر و عبوس نباشی، این کتاب را بخوان! حالا اگر خیلی اصرار داری این کتاب را بخوانی، هرچه می توانی کمتر بخوان؛ پنج صفحه، یا حتی یک صفحه. اگر فقط یک جمله اش را خواندی که چه بهتر، اگر ناگهان همه اش را خواندی، بدان که آدم های این کتاب هنوز ادب و آداب نیایش را نمی دانند. از خدا برای آنها بخواه که موقع مناجات، صادقانه، بی کلک و بی ریا با او صحبت کنند.»

در مراسم رونمایی از «آن شب در دوحه» مطرح شد

از فقر در حوزه کتاب ورزشی تا توصیه خیابانی به نسل جوان



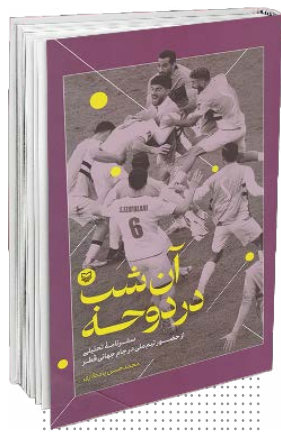
آن شب در دوحه را خواندم. دو فصل اول کتاب بسیار جذاب و نمونه بارز یک وقایع نگاری کامل است. زمانی که این صفحات را می خواندم به یادگاری و نوع قلم و روایتش آفرین گفتم. در ادامه، این مجری برجسته ورزشی به مشکلاتی که سال گذشته را جزو تلخ ترین خاطرات فوتبال ایرانی ها قرار داد اشاره و اظهار کرد: بسیاری از مشکلات و تلخی ها از اشتباهات کارلوس کی روش نشأت گرفت و چنین خاطره تلخی را رقم زد.

کی روش پدرو گونه رفتار نکرد. ارنج نامناسب، تصمیم های آنی و موضوعات دیگر باخت سنگین برابر انگلیس را در پی داشت. مطمئن باشید اگر همه چیز هم در کشور خوب بود و شاهد اغتشاشات در ایران هم نبودیم باز هم انگلیس به ما شش گل می زد. من مقصر اصلی را کی روش می دانم. خیابانی درباره بازی ایران و آمریکانیز کادرفنی را مقصر اصلی دانست که با کج سلیقه و ندانندگی موجب باخت تیم ملی شدند. او در پایان گفت: اگر در مقابل آمریکا پیروز می شدیم، یقیناً شاهد اتحاد و یکپارچگی مردم بودیم.

خودم را سانسور نمی کنم

محمد حسن یادگاری، نویسنده کتاب درباره نوع بیان اتفاقات و دیدگاهی که در نگارش کتاب به کار رفته است، بیان کرد: گاهی مرا به حکومتی بودن متهم می کنند. خاک ایران برایم بسیار مهم است. مرزبندی من منافع ملی است. اگر قرار است به من انگ سیاسی بزنند برایم مهم نیست، چون برای کار سیاسی ارزشی قائل نیستم، اما کار فرهنگی برایم بسیار محترم است.

من به عنوان یک وطن دوست این کتاب را نوشتم. این نوشته ها من هستم. نمی توانم خودم را سانسور کنم. یادگاری افزود: خاطرات تلخی در جام جهانی رقم خورد. بسیاری از کسانی که تماشاگران بازی های ایران در جام جهانی قطر بودند هیچ آشنایی با فوتبال نداشتند و فقط سناریوهایی که برای شان نوشته شده بود را اجرا می کردند. او خاطرنشان کرد: نکته دیگر این بود که ما می دانستیم از انگلیس با تمام ستاره هایش شکست می خوریم، بنابراین رفته بودیم که فقط از فوتبال لذت ببریم و از گل های طارمی ذوق کنیم؛ اما عده ای آمده بودند که نگذارند این اتفاق بیفتد. در پایان برنامه از کتاب آن شب در دوحه رونمایی شد. گفتنی است، آن شب در دوحه با مقدمه «زندگی به روایت فوتبال» و در شش فصل شامل بازی آغاز شده، به جام جهانی قطر خوش آمدید، همه پسران ملکه علیه ما، سیمرغ علیه اژدها، دیوانه سازها علیه ترسو و قطر، آنجا و بازگشت دوباره، تجربه ای از جامعه و فوتبال ملی ایران را در جام جهانی قطر به نمایش می گذارد.



مراسم رونمایی کتاب «آن شب در دوحه» با حضور جواد خیابانی گزارشگر فوتبال، علی مغانی سردبیر ورزشی و مجری برنامه «ورزش و مردم»، ماشاء... صفری مدیر انتشارات ورزشی گلگشت و محمد حسن یادگاری نویسنده کتاب با همراهی جمعی از علاقه مندان به حوزه ورزش و فرهنگ در فروشگاه سوره مهر انقلاب برگزار شد. در این نشست هریک از مهمانان نظرات خود را درباره کتاب آن شب در دوحه جدیدترین اثر یادگاری، با حضار به اشتراک گذاشتند.

مدیریت ناکارآمد بلای جان فوتبال

صفری در ابتدای نشست با اشاره به خاطرات تلخ جام جهانی قطر برای ایران و تیم ملی، از مدیریت ناکارآمد به عنوان اصلی ترین موضوع یاد کرد. او در ادامه به شرح چند نکته درباره کتاب پرداخت و گفت: آن شب در دوحه از نظر ادبی یک مستند نگاری است.

مستند نگاری قوانین و استانداردهای خاص خودش را دارد. البته که نویسنده می تواند آن طور که می خواهد کتابش را بنویسد اما در مستند نگاری نویسنده نباید درباره وقایع اظهار نظر کند. به همین دلیل همه عبارت های «به نظرم» در کتاب باید حذف شود. وی افزود: مستند نگاری نباید سوگیری داشته باشد و به گونه ای نوشته شود که برای همه مخاطبان جذاب باشد.

فقر در حوزه کتاب ورزشی

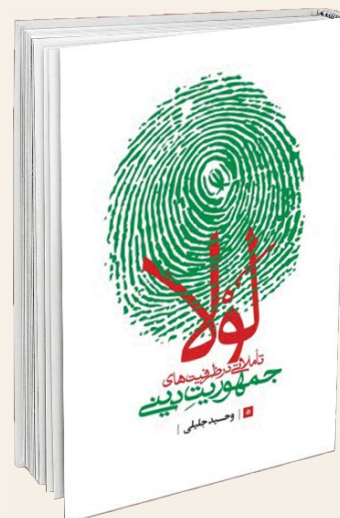
علی مغانی در ادامه با تیریک به محمد حسن یادگاری و انتشارات سوره مهر برای چاپ این کتاب گفت: در حوزه کتاب های ورزشی به شدت فقیر هستیم و هرچه که نوشته شود باز هم کم است. کتاب جسور و با اعتماد به نفس نوشته شده که از قضاوت دیگران هم ترسی نداشته است.

مغانی افزود: ما باید یاد بگیریم که مسابقات فوتبال به ویژه جام های جهانی پیش از این که میدان رزم باشند، یک بزم بزرگ هستند. بزمی که همه باید از شادی آن شاد شوند و زندگی کنند. من به عنوان یک پژوهشگر نمی توانم هوادارانی را که برای تیم های شان از زندگی خود مایه می گذارند درک کنم. از نظر من این شکل از طرفداری شکلی توسعه نیافته است. امیدوارم این موضوع در فوتبال ایران حل و درک شود که فوتبال، مرگ و زندگی نیست.

کی روش، مقصر اصلی!

سپس جواد خیابانی ضمن توصیه به مطالعه کتاب گفت: از جوانان می خواهم تا تصمیم بگیرند هر روز کتاب های بیشتری بخوانند و دیگران را هم وادار کنند تا کتاب بخوانند. من کتاب

از سوی انتشارات شهید کاظمی «لولا» به قلم وحید جلیلی منتشر شد



کتاب «لولا» تأملاتی در ظرفیت های جمهوری دینی اثر وحید جلیلی توسط انتشارات شهید کاظمی منتشر شد.

کتاب لولا نوشته وحید جلیلی، تأملاتی در ظرفیت های جمهوری دینی است که در پاره ای از اوقات مورد غفلت قرار گرفته است.

هرچند نظامی که ولایت فقیه در رأس آن است، «جمهوری اسلامی» است اما شاید یک صدم دغدغه، همت و تلاشی که برای تبیین ولایت وجود دارد، برای تبیین جمهوری نظام و تعاریف، ابعاد و ظرفیت های آن وجود نداشته باشد ولی چرا جمهوری نظام به معنای رجوع منظم و مداوم به آرای مردم در اداره جامعه، چندان جایگاهی در مباحث نظری و گفتگویی ما پیدا نمی کند؟ به نظر می رسد چند علت نیروهای حزب الهی را از ورود به نظریه پردازی درباره جمهوری نظام بازمی دارد که عبارتند از: ۱. قرائت غلط از تئوری ولایت فقیه ۲. بزرگ نمایی اشکالات سازوکارهای جمهوری ۳. جنگ روانی دروغین «روشنفکران همیشه اقلیت» در دفاع از اکثریت.

در بخشی از کتاب آمده است: «یکی از دلایل، کج فهمی و تعصب های بی منطقی است که راجع به مفهوم ولایت فقیه در بین حزب الهی ها رواج داده می شود. گویی اگر جمهوری تبیین شود جای ولایت فقیه را تنگ می کند! این بینش غلط که با قیافه های حق به جانب ترویج می شود یکی از علل کم کاری ما در این حوزه است. در این بینش ولایت چنان مفهوم ضیق و متصلبی است که امکان تعاملش با هیچ مفهوم دیگری وجود ندارد و امتیاز ولایت فقیه در این است که در خودش تمام می شود. گویا امکان تعامل با هیچ نظریه دیگر با جذب هیچ سازوکار و ابزار ابتکاری یا جدیدی را در خود ندارد.

از این منظر «ولایت و جمهوریت نمی توانند با هم نسبتی داشته باشند و کنار هم نشانندشان توسط امام راحل در جمهوری اسلامی»، فرمالیته یا از روی اضطرار یا برای دوره گذار بوده است. وظیفه ما هم این است که این دوره گذار را تسریع کنیم و هرچه زودتر امکان و زمینه لازم برای راحت شدن نظام از شر جمهوری فراهم بیاوریم یا دست کم به تبیین و تثبیتش کمک نکنیم.»

لولا در ۲۷۶ صفحه در سال ۱۴۰۲ با قیمت ۹۰ هزار تومان به بازار عرضه شده است. علاقه مندان برای مشاهده و تهیه این کتاب از رزشمند می توانند از وبگاه من و کتاب manvaketab.ir و همچنین از طریق ارسال نام کتاب به سامانه پیام کوتاه ۳۰۰۰۱۴۱۴۴۱ کتاب را تهیه کنند.

ویرترین

۲۳۸

مجموعه کتاب

ضمیمه کتاب | ۲۸ آذر ۱۴۰۲

سردبیر: میثم رشیدی مهرآبادی
مدیر هنری: حمیدرضا خاتونی
صفحه آرا: حمید عینی خراسانی
جلد: سپهر سهامی فرد
ویرایش عکس: زرناز حسینی
ویراستار: اکبر فکری

همکاران این شماره:
سید علی اصغر عبداللهی
آمنه پاژکی، زینب گل محمدی
سعیده اسداللهی، حسین
شریفخانلو، زینب زارع، رایحه رضانی
ورضا شعبانی

شناسنامه

تلفن گویا: ۲۳۰۰۴۴۴۴
JAMEJAM.NEWS
کدپستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
info@jamejamdaily.ir

- نویسنده: کلاژوبرت
- انتشارات: مهرک
- قیمت: ۷۵ هزار تومان



این مجموعه در چهار جلد مجزا با عناوین «گرچه نقاشی من و سه ماجرای دیگر»، «بستنی دوم و سه ماجرای دیگر»، «هدیه خدا و سه ماجرای دیگر» و «بی اجازه و سه ماجرای دیگر» به طور ویژه به قصه هایی درباره دختران می پردازد. هر چهار جلد شامل داستان های کوتاهی است که با نگاه به دغدغه های دخترانه در خانه، مدرسه، پارک یا مواجهه با والدین، دوستان، همسایه ها، هم کلاسی ها و فامیل سعی دارد راهنمای موثری برای آموزش و ارتقای مهارت های زندگی آنها باشد. تصویرگری های جذاب این مجموعه با طیف های رنگی چشم نواز، کاری است از سحر فرهادروش، نیره مهری، گلنار ثروتیان و مریم پیروزمهر که نه فقط توجه کودکان بلکه نظر بزرگسالان را هم جلب می کند.

پدیدآورندگان دایره المعارف قرآن از همان آغاز در این اندیشه بودند که با گزینش مهم ترین مدخل ها و با تلخیص و تلطیف مطالب در قالب نثری ساده، روشن و روان، محصول علمی و فرهنگی برای استفاده نوجوانان پدید آورند.

بی تردید قشر عظیم نوجوانان کشورمان به مرجع متناسب با سطح شناخت و دانش خود احتیاج دارند که به نیازهای شان درباره قرآن پاسخ گوید. مجموعه دانشنامه قرآن کریم ویژه نوجوانان است. این اثر حاصل کوشش پژوهشگران پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن است که به صورت الفبایی و با نثر روشن و روان به نوجوانان عزیز تقدیم می شود. این کتاب از حرف «ت» تا حرف «ح» را شامل می شود.

- ترجمه: مظفر سالاری
- انتشارات: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
- قیمت: ۱۲۰ هزار تومان



دربین

آذر خزاعی سرچشمه در برنامه «جلد دوم» مطرح کرد

۲۶۲ خاطره از هنرمندان در کتاب «تا پلاک ۱۴۰»

او در ادامه گفت: من این اثر را با هدف نشان دادن جریان زندگی مردم ایران در دوران دفاع مقدس و جنگ نوشتم و راویان این مجموعه هرکدام از زاویه دید خود حوادثی را که در آن حضور داشتند، روایت کردند.

این پژوهشگر تصریح کرد: گرفتن خاطره از ۱۴۰ نفر آن هم از اهالی قلم و هنر که هرکدام درگیر مسائل کاری خود هستند، کار آسانی نبود، به همین دلیل با بعضی مصاحبه کردم و بعد از پیاده کردن آن، متن را برای شان می فرستادم که اگر نکته ای از قلم مانده است به آن بیفزایند. محیط مناسبی در بعضی از مصاحبه ها فراهم نشد و راوی، بخشی از حقیقت خاطره اش را انگار درونش نگه می داشت، بازگو نمی کرد.

وی افزود: بعضی از مصاحبه ها به صورت تلفنی در چند روز انجام شد. نویسندگانی که خاطرات آنها را جمع آوری کرده بودم خواستار این بودند که هیچ گونه دخل و تصرفی در خاطره شان صورت نگیرد و همین کار را برای من سخت تر کرد و تنها در حد ویرایش دستوری و روخوانی توانستم در آنها تغییراتی ایجاد کنم.

خزاعی سرچشمه در پایان گفت: ادبیات خاطره نویسی جنگ، گونه ای جدید در ادبیات است که با وقایع جنگ و هشت سال دفاع مقدس به ادبیات ما اضافه شد. جنگ ها همیشه بستر مناسبی برای خلق داستان های بزرگ است و نویسندگان از دل وقایع و حوادث جنگ ها آثاری را خلق کردند که خود یا در دل این حوادث حضور داشتند یا از خاطرات دیگران استفاده کردند. گفتنی است برنامه جلد دوم هر هفته دوشنبه ها ساعت ۱۸ به صورت زنده از ketab.tv پخش می شود. علاقه مندان می توانند برنامه را از آرشیو این تلویزیون مشاهده کنند. کتاب تا پلاک ۱۴۰ را انتشارات صریح وابسته به بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس منتشر کرده و تاکنون سه بار به چاپ رسیده است. آذر خزاعی نیز که سال هاست در حوزه دفاع مقدس کار می کند تجربیات دیگری در زمینه نگارش داستان هایی در این حوزه دارد.



برنامه گفت و گو محور جلد دوم از شبکه کتاب با حضور آذر خزاعی سرچشمه، پژوهشگر و نویسنده کتاب «تا پلاک ۱۴۰» پخش شد. آذر خزاعی سرچشمه با اشاره به سبک نگارش کتاب تا پلاک ۱۴۰، بیان کرد: ایده این کتاب بر مبنای سبک خاطره نگاری شکل گرفته است و خاطرات ۱۴۰ نفر از اهالی قلم در دوران دفاع مقدس، جنگ و دهه ۶۰ را در خود گنجانده است و نگارش آن براساس اتفاقاتی که در پیش رو داشتیم، برابیم به وجود آمد.

این نویسنده با توجه به این که برای نوشتن کتاب «تا پلاک ۱۴۰» بیش از چهار سال زحمت کشیده است، اظهار کرد: این کتاب شامل گردآوری ۲۶۲ خاطره از ۱۴۰ هنرمند و نویسنده است که در زمان جنگ زندگی می کردند. من برای نگارش این کتاب در ابتدا تنها به جمع آوری خاطرات داستان نویس های دفاع مقدس اکتفا کردم اما وقتی با دوستان خاطره نویس جنگ صحبت کردم و چند خاطره تأثیرگذار از آنها شنیدم، تصمیم گرفتم از قشرهای دیگر اهالی قلم نیز استفاده کنم؛ به همین دلیل سراغ خاطره نویس ها و در انتها به سراغ اهالی هنر رفتم.



**نویسندگانی که
خاطرات آنها را
جمع آوری کرده
بودم خواستار
این بودند که
هیچ گونه دخل
و تصرفی در
خاطره شان
صورت نگیرد و
همین کار را برای
من سخت تر کرد**

